

عکس مرصع باد

تَحْقِيق
وَعَدَه
الْهَلِی

نویسنده: سعید پورداراب

www.ketab.ir



انتشارات سوره سبز

تهران - ۱۳۹۴

عملیات مرصاد

دفتر انتشارات سوره سبز



انتشارات سوره سبز

ناتشر برگزیده و برتر فرهنگ و ادب ایرانی

• نویسنده: سرتیپ دوم ستاد سعید پورداراب

• مدیر تولید: محسن صادق نیا

• مدیر هنری و آماده سازی:

• جبهه هنرهای زیبا - مجتبی صالحی

• خروف نگاری: مقصود نادری

• نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۴

• شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

• شابک: ۹-۸۷-۶۰-۶۲۴۰-۹۷۸

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

مرکز پخش:

تهران - خیابان ولی عصر (عج)

نرسیده به تقاطع خیابان بهشتی

خیابان عبادی - شماره ۱۵ - ط ۳ - واحد ۶

انتشارات سوره سبز (معاونت بازرگانی)

تلفن: ۲ - ۸۸۱۰۴۴۳۰ - ۰۲۱ و ۰۹۱۲۵۱۳۱۲۶۸

سرتیپ دوم ستاد سعید پورداراب

عملیات مرصاد، تحقق وعده الهی

تهران: سوره سبز، ۱۳۹۳

صفحه ۱۶۸

۹-۸۷-۶۰-۶۲۴۰-۹۷۸

فیبا

عملیات مرصاد

dsr پ ۴ / م ۱۶۰۷ / ۹۱۳۹۳

۰۸۴۳/۹۵۵

۳۷۰۰۱۵۳

تأمین حقوق © محفوظ است

Suore Sabz In The Islamic Republic Of IRAN

نقل و چاپ بخش ملی از متن یادکر منبع آزاد است

فهرست مطالب

۹.....	مقدمه
۱۵.....	چگونگی تشکیل سازمان منافقین
۱۶.....	تغییر استراتژی منافقین
۱۹.....	عملیات منافقین در محور فکه در ۶۷/۱/۸ به تیپ ۳ لشکر ۷۷
۲۸.....	نتیجه تحلیلی از عملیات ۶۷/۱/۸
۳۰.....	عملیات منافقین در منطقه مهران ۱۳۶۷/۳/۲۹ تا ۱۳۶۷/۳/۳۱
۳۷.....	چگونگی تهاجم مجدد دشمن در منطقه جنوب در مورخه ۶۷/۴/۳۱
۴۲.....	چگونگی تهاجم دشمن به منطقه غرب در مورخه ۶۷/۴/۳۱
۶۵.....	تجاوز مشترک ارتش عراق و نیروهای منافقین به غرب
۶۶.....	سازمان مجاهدین و آمریکا در آستانه‌ی عملیات مرصاد
۷۴.....	تحلیل رجوی از اوضاع ایران در آستانه عملیات مرصاد
۷۷.....	مقدمات تهاجم منافقین به خاک میهن (مرحله مهیاسازی)
۹۵.....	ساختار و اهداف ارتش منافقین در عملیات مرصاد
۱۰۵.....	آغاز عملیات منافقین
۱۰۷.....	تسخیر کرد و اسلام آباد
۱۱۴.....	نمونه‌هایی از جنایات سازمان مجاهدین

- ورود شهید سپهبد علی صیاد شیرازی به صحنه عملیات مرصاد..... ۱۱۸
- نگاهی به عملکرد قرارگاه عملیاتی غرب ارتش و تیپ ۳۵ و ۴۵ تکاور نزا ۱۲۳
- کلام آخر و حقیقت محض از خاطرات و زبان شهید صیاد شیرازی..... ۱۳۱
- فرار خفت بار منافقین و تجهیزات منهدم شده و غنائم به دست آمده..... ۱۴۱
- عملیات مرصاد به روایت مجله صف شماره ۲۳..... ۱۵۰
- منابع و مأخذ کتاب..... ۱۶۵

سخن ناشر

از جنگ عراق علیه ایران، بسیار گفته ایم، نوشته ایم و شنیده ایم. آن قدر که شاید از حوصله ها بر نمی آید و دیگر خیلی ها تاب شنیدنش را ندارند. شاید اگر اندکی از این سیارها را با خلوص و صداقت توأم می کردیم، هنوز هم گوش های زیادی برای شنیدن باقی مانده بود.

طی دوران جنگ تحمیلی و سال های پس از آن، دو جریان پای به عرصه تاریخ و ادبیات جنگ گذاشتند. اول، نسلی که جنگ را با تمام زوایای پیدا و پنهان آن تجربه نمود و صدمات و لطافات آن را به چشم دید. این نسل، جنگ را با نگاه و نگرشی بر گرفته از آموزه های مذهبی و انقلابی و مضامین و آرمان های آن می بیند و به جنگ و جراحی آن حداقل مانند نسل حاضر که با انواع و اقسام ملاحظات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دست به گریبان است، نگاه می کند.

دوم، نسل حاضر که تفاوتی فاحش با فرهنگ سی سال پیش هم سن و سالانش دارد و با دانش و اطلاعاتی که از موضوع جنگ یافته، پای به این عرصه نهاده است و اگر تجربه عملی نیز از آن داشته باشد، چیزی است که در غبار خاطرات کودکی شاید تصویری نامفهوم را برایش تداعی می کند. البته این تفکیک لزوماً جنبه حکم و قانون ندارد و در هر دوی این جریان ها، موارد نقض آن را نیز می توانیم ببینیم.

برخی برای ابراز ناگفته های جنگ، قریحه داستان پردازی صمیمانه شان را به کار گرفتند و برخی بازآفرینی موجز دوران جنگ را در روایت های صادقانه و بی نظیر به خواننده پیشکش کردند.

در اثر حاضر تلاش گردیده قسمتی از تاریخ دفاع هشت ساله ملت ایران در برابر هجوم بیگانگان به صورت مستند و به دور از اعمال سلیقه و جهت گیری های جناحی و بی آنکه قصد اغراق یا توصیف غیر منصفانه در کار باشد، به رشته تحریر در آید.

مدیریت انتشارات سوره سبز ضمن قدردانی از حمایت های امیر سرتیپ دکتر احمد رضا پوردستان فرمانده نیروی زمینی ارتش، امیر سرتیپ دوم داود کاظمی رئیس سازمان ایشارگران نذاجا، امیر سرتیپ دوم مصوری رئیس مرکز پژوهش های دفاع مقدس، نویسندگان ارجمند و همه بزرگوارانی که در کلیه مراحل تدوین و چاپ این اثر زحمت خالصانه کشیده اند، امیدوار است مورد استفاده خوانندگان محترم قرار گیرد.

انتشارات سوره سبز

مقدمه^۱

توسل به مشی مسلحانه و قهرآمیز به عنوان راه حل نهایی مبارزه با حاکمیت استبداد در ایران عصر پهلوی، محصول به بن بست رسیدن مبارزه در چارچوب قانون، انسداد سیاسی، تعمیق و فراگیری استبداد و سرکوب خونین مخالفان بود. هواداران این راهبرد که هدف آن براندازی نظام سیاسی مستقر در ایران بود بنا بر ناامیدی از پیروزی در انقلاب فراگیر توده‌ای، این مشی را انتخاب کردند و آن را تنها راه حل رهایی مردم از نظام استبدادی و امپریالیستی می‌دانستند.

این عده که عمدتاً نیروهای چپ مارکسیست بودند، از نظریات افرادی مانند چه گوارا، رژی دبره و دیگران پیروی کرده و به طور کلی اندیشه و انقلاب مسلحانه و مشی چریکی را دنبال می‌کردند.

دهه ۱۳۴۰ در ایران، از نظر رشد جنبش‌های رهایی‌بخش و برانداز پیرو دو دسته تحولات خارجی و داخلی بوده است. رشد روزافزون جنبش‌های چریکی چپ در اقصی نقاط جهان، به ویژه در جهان سوم و گسترش محبوبیت سازمان‌ها و افراد انقلابی میان جوانان ایران به عنوان عامل خارجی در شکل‌گیری سازمان‌ها و گروه‌های چریکی و انقلابی مؤثر بود.

^۱ کتاب بن بست در استراتژی و شکست در تاکتیک ناصر شعبانی

در کنار این مسئله، سیاست‌های اصلاح‌طلبانه رژیم که با هدایت امریکا برای تثبیت نظام پهلوی و تحدید اندیشه‌های مخالف و به انفعال کشاندن نیروهای مبارز انجام می‌شد، فضای سیاسی جامعه را مسدود و نیروهای فعال اجتماعی را منزوی کرد و در پی این تحولات، روند فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی یک سویه شد و عرصه‌های مدیریت کشور شکل مستبدانه به خود گرفت. در مجموع، سرکوب نیروهای فعال اجتماعی، تعطیلی احزاب قدرتمند سیاسی، ممانعت از رشد و توسعه جامعه مدنی و کنترل‌های امنیتی و خشن که موجب از بین رفتن حقوق و آزادی‌های سیاسی، مذهبی و اجتماعی شد، مجال انتقال مسالمت آمیز قدرت با مشارکت سیاسی افراد و جریان‌های سیاسی را از طریق قانون گرفت. به دین ترتیب، راه‌های مسالمت آمیز برای مخالفت با اهداف و برنامه‌های کارگزاران حکومت، شکست خورد و راه برای ظهور و بروز افکار و اقدامات قهرآمیز و خشن باز شد.

گروه‌ها و جریان‌های سیاسی علاقه‌مند به مشی چریکی در ایران که سازمان مجاهدین خلق ایران از جمله آن‌است، پیروی از این نظریه را نه بر اساس علائق دینی و مذهبی، بلکه بر اساس گفت‌وگو غالب مبارزاتی آن دوران که در انحصار نیروهای مارکسیست - لنینیست قرار داشت، برگزید. سازمان مجاهدین خلق که در سال ۱۳۴۴ تأسیس شد و در سال ۱۳۵۰، موجودیت خود را اعلام کرد، شاخه مذهبی جبهه ملی و نهضت آزادی ایران محسوب می‌شد و به مرور زمان به دیدگاه‌های مارکسیستی نزدیک شد و در سال ۱۳۵۴ به طور رسمی اصول این مکتب فکری و مبارزاتی را پذیرفت.

سازمان مجاهدین خلق اقدامات و فعالیت‌های مختلفی علیه رژیم پهلوی انجام داد و به همین علت، اکثر اعضای آن به زندان افتادند. با پیروزی انقلاب اسلامی، اعضای قدیمی سازمان از جمله مسعود رجوی به کمک دوستان خود مجدداً این گروه را احیا کردند و فعالیت‌های آن را از سر گرفتند. آنها که به دنبال به دست آوردن کامل قدرت در حاکمیت جدید بودند، فعالیت‌های بسیاری در این زمینه انجام دادند که هیچ کدام به نتیجه دلخواه آنان نرسید. ناکامی‌های سیاسی سازمان که با گذشت زمان بیشتر می‌شد و فاصله سازمان را از انقلاب و امام خمینی (ره) بیشتر و عمیق‌تر می‌کرد، با حضور فرد قدرت‌طلبی همچون رجوی در رأس سازمان، آنان را به سوی مبارزه مسلحانه با جمهوری اسلامی ایران سوق داد و سازمان در خرداد ۱۳۶۰ وارد فاز نظامی و درگیری مسلحانه با نظام نوپای جمهوری اسلامی شد. در این دوران، راهپیمایی مسلحانه در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، ترور گسترده مسئولان نظام، ترور پاسداران و مردم بی‌گناه و مظلوم، بمب‌گذاری و ... از جمله اقدامات براندازانه سازمان بود که فاصله سازمان را با نظام و مردم گسترده‌تر کرد. با فرار رجوی به همراه بنی‌صدر از ایران، سازمان وارد فاز جدیدی از مبارزه علیه جمهوری اسلامی شد. در این دوران، سازمان با تشکیل شورای ملی مقاومت در خارج از کشور عملاً کوشید جبهه‌ای متحد از مبارزین علیه نظام اسلامی ایران شکل دهد، اما با گذشت زمان و افشای مقاصد رجوی از تشکیل این جبهه، جریان‌های شکل‌دهنده این شورا یکی پس از دیگری از شورای ملی مقاومت کناره‌گیری کردند و رجوی به تنها عضو شورای ملی مقاومت تبدیل شد. عمده‌ترین دلیل کناره‌گیری افراد و گروه‌های سیاسی از شورا، نزدیکی

سازمان مجاهدین به عراق و رژیم صدام بود که در حال جنگ با ملت ایران بودند. در پی عزیمت مسعود رجوی و مرکزیت سازمان به عراق و تشکیل ارتش آزادی بخش ملی در این کشور و قرار گرفتن سازمان در کنار ارتش عراق، مبارزه سازمان با جمهوری اسلامی ایران وارد مرحله جدیدی شد. از این پس، سازمان با تمام توان انسانی، فنی و لجستیکی در مقابل ملت ایران و در کنار لشکریان صدام قرار گرفت تا در سقوط نظام سیاسی ایران یار و مددکار صدام و ابرقدرت‌ها باشد.

در این دوره سازمان با اقداماتی مانند جاسوسی از داخل خاک ایران، بازجویی از اسرای ایرانی، کمک به سیستم شنود ارتش عراق، فریب واحدهای عملیاتی با ورود به شبکه مخابرات نیروهای ایرانی، شناسایی خطوط دفاعی ایران، انجام عملیات‌های نظامی و ... در خدمت ارتش عراق قرار گرفت.

با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، سازمان که یکباره آمال و آرزوهای خود را بر بادرفته می‌دید، دست به اقدامی انتحاری زد و با فراخوان همه نیروهای خود، اجرای عملیاتی با عنوان «فروغ جاویدان» را در دستور کار قرار داد. تحلیل سازمان از وضعیت داخلی ایران، اصلی‌ترین دلیل تحرک جدید سازمان محسوب می‌شد. مسعود رجوی معتقد بود که جنگ، نقطه راهبردی شکست ایران خواهد بود و چون جنگ با سرنوشت حکومت حاکم بر ایران گره خورده است و ابرقدرت‌ها نیز اجازه پیروزی جمهوری اسلامی ایران را در جنگ نمی‌دهند، لاجرم جنگ با شکست نظامی - سیاسی حاکم بر ایران به پایان خواهد رسید و در این صورت، نظام مشروعیت خود را از دست می‌دهد و زمینه‌های سقوط آن فراهم

می‌شود. در چنین حالتی کافی است، نیروهای سازمان از جوار مرز وارد ایران شوند و با سرعت و بدون درگیری خود را به مرکز حکومت برسانند و با کمک مردم بریده از حکومت، نظام جمهوری اسلامی را سرنگون کنند. در واقع «عملیات فروغ جاویدان» همان حرکت نهایی سازمان به سوی مرکز حکومت (تهران) بود که با مقاومت رزمندگان اسلام و توقف ستون منافقین در مقابل تنگه مرصاد و با پشتیبانی هوایی هوانیروز قهرمان نیروی زمینی ارتش به بن‌بست رسید و بار دیگر عزم مردم ایران را در مقابل هم‌پیمانان ارتش عراق، رژیم صهیونیستی و استکبار جهانی نشان داد و فرمان خداوند ببارک و تعالی در سوره الفجر تحقق یافت:

الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ (۱۱) فَكَثُرُوا فِيهَا الْفِسَادَ (۱۲) فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ (۱۳) إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ (۱۴)

برای اینکه در روی زمین ظلم و طغیان کردند (۱۱) و بسیار فساد و فتنه برانگیختند (۱۲) تا آن که خدای تو بر آنها عذاب پی‌درپی فرستاد و عاقبت به دوزخ قهر درافکند (۱۳) و همانا خدای تو البته در کمینگاه ستمکاران است (۱۴)